

نقد و ارزیابی دیدگاه سلفی‌گری درباره نوسازی و توسعه اقتصادی

(با تاکید بر آیات قرآن و سنت نبوی)

علی ملکی^۱

چکیده

نوسازی و توسعه از مباحث مهم علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی است. بررسی دیدگاه سلفی‌گری از نوسازی و توسعه اقتصادی، می‌تواند تمایزات الگوی انقلاب اسلامی را در برابر تفکر آنان نشان دهد و زوایای پنهان تفکر سلفی را برجسته نماید. سلفی‌گری در آستانه قرن بیست و یکم برداشتی از اسلام ارائه می‌نماید که مدعی است؛ بر اساس اسلام اصیل و سنت پیامبر(ص) می‌خواهد، نظام سیاسی سلف صالح را برای اداره جهان ایجاد نماید. این پژوهش درصدد است تا با روش توصیفی تحلیلی، به سوالات ذیل پاسخ دهد: ۱- دیدگاه سلفی‌گری در باره نوسازی و توسعه اقتصادی چگونه مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد؟ ۲- آیا مبانی و اصول اعتقادی آنان از اسلام، می‌تواند با آموزه‌های اسلام در قرآن و روایات در زمینه نوسازی و توسعه سازگار باشد؟ از دیدگاه نگارنده، دیدگاه آنان درباره نوسازی و توسعه اقتصادی با آموزه‌های اسلام در آیات قرآن و سنت نبوی تنافی دارد و آیات قرآن به آبادانی دنیا و توسعه اقتصادی ترغیب کرده‌اند. نوآوری این مقاله در آن است که با توجه به منظومه فکری سلفی، نگرش آنان از نوسازی و توسعه اقتصادی را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد.

کلیدواژگان: نوسازی، توسعه اقتصادی، سلفی‌گری، قرآن، سنت نبوی

مقدمه

یکی از دستاوردهای دولت مدرن، شکل‌گیری مفهوم نوسازی و توسعه اقتصادی است. بدین معنا که در زمینه آبادانی دنیوی جوامع انسانی با برنامه‌ریزی و مدیریت منابع و بکارگیری عوامل هم‌افزا توانسته است به صورت تصاعدی رفاه و پیشرفت اقتصادی را برای کشورها تامین نماید. نوسازی یکی از مهمترین مسائل مربوط به جوامع اسلامی است. جهان اسلام و اندیشمندان مسلمان در برابر دستاوردهای جوامع غربی، سعی کرده‌اند؛ دیدگاه خود از اسلام را درباره دستاوردهای دنیای مدرن و متجدد-از جمله نوسازی و توسعه- بیان کنند. در این زمینه نگرشهای مختلف شکل گرفته است؛ ۱- پذیرش

۱. علی ملکی استادیار دانشگاه تفرش و علامه طباطبائی تهران ali_malaki70@yahoo.com

مطلق ارزشهای مدرن و متجدد، ۲- رد مطلق ارزشهای دستاوردهای مدرن، ۳- برخورد گزینشی و آگاهانه با آن.

تفکر سلفی‌گری راه دوم را انتخاب کرده است و در برابر راه حل انقلاب اسلامی - که راه حل گزینشی و آگاهانه نسبت به غرب را برگزیده - قرار گرفته است. یکی از ترفندهای کشورهای سلطه‌گر، استفاده ابزاری از تفکر سلفی‌گری در پوشش القاعده، طالبان، سپاه صحابه، داعش و نظایر آنان، برای بدنام کردن اسلام و جمهوری اسلامی است، تا عموم مذاهب اسلامی را به عنوان بنیادگرا ۲ معرفی کنند. از این رو، یکی از ضرورت‌های مهم جهان اسلام و ایران شناخت اصول، مبانی و ویژگی‌های سلفی‌گری و شناساندن نسبت آن با اسلام واقعی است.

سوال آن است که تفکر سلفی بر اساس اصول و مبانی فکری خود، چه نگرشی در زمینه نوسازی و توسعه دارد؟ دیدگاه‌های سلفی‌ها چه نسبتی با قرآن و سنت نبوی دارد و چگونه نقد و ارزیابی می‌شود؟ اصول، ویژگی‌ها و معیارهای توسعه اقتصادی و نوسازی در قرآن چیست؟ تفکر سلفی درباره نوسازی و توسعه اقتصادی به طرد مطلق دستاوردهای تجربی بشر می‌پردازد و آن را برخلاف قرآن و روش پیامبر و سنت نبوی می‌داند. این اندیشه با بنیانهای نوسازی و توسعه مانند؛ بینش عقلی، فلسفی و علمی، نظریه راهبردی، دنیا، طبیعت، کار و تولید، انباشت سرمایه، حقوق و آزادی‌های فردی، مالکیت خصوصی، قانون، رقابت آزاد و سالم، ناسیونالیسم و دولت ملی، تقسیم کار، نظم و سامان اجتماعی که از شاخصه‌های تغییرات جوامع اسلامی به سوی توسعه است، مخالف است.

این مقاله با توجه به سنخ‌شناسی موضوع، از حیث نوع روش پژوهش، از روش تحقیق توصیفی تحلیلی و از حیث روش گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای بهره خواهد گرفت. از حیث مبانی نظری، از روش تفسیری و سنتی حوزوی استفاده می‌کند که بر اساس آن متون دینی دارای مفاهیم مشخصی، برای استدلال و فهم هستند، با این روش، آیات قرآن مورد کنکاش و بررسی قرار خواهد گرفت؛ یعنی با تمرکز بر آیات قرآن کریم، رویکرد قرآنی درباره نوسازی و توسعه اقتصادی را در نقد دیدگاه سلفی‌گری از توسعه، تشریح می‌کند.

اگرچه در زمینه افکار و اندیشه های سلفی ها تاکنون، کتابها و مقالات متعدد و متنوعی نوشته شده است ولی درباره نگرش آنان از نوسازی و توسعه اقتصادی به صورت خاص، تاکنون مقاله و یا کتابی نوشته نشده است، و این نوشتار از این حیث یک نوآوری است..

ابتدا ضروری است مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش شناسایی و تعریف شوند، از این رو مفاهیمی مانند نوسازی، توسعه و سلفی گری تعریف و مشخص می شوند و سپس با اشاره به مکاتب نوسازی به تاریخچه و مبانی سلفی گری پرداخته می شود. نقد و ارزیابی این ایده با توجه به قرآن، روایات و برخی ملاحظات نظری فرجام مقاله خواهد بود.

۱- مفاهیم

۱-۱- نوسازی

نوسازی یا مدرنیزاسیون^۳ اشاره به فرآیند دگرگونی اقتصادی و تکنولوژیک دارد که در خلال رنسانس اتفاق افتاده است و منتهی به مدرنیته شده است (صفی، ۱۳۸۰: ۳۴). نوسازی (مدرنیزاسیون)، معمولاً به تکامل کشورهای غربی از جوامع سنتی و عقب مانده، با ساختار سنتی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، به جوامع صنعتی با ویژگی های پویایی و تحرک از جنبه های مختلف، از جمله تحرک اجتماعی، دنیاگرایی، فرهنگ مدنی، دیوانسالاری غیرشخصی و مشارکت وسیع مردم در سیاست است. از این رو می توان نوسازی را «روندی مبتنی بر بهره برداری خردمندانه از منابع و با هدف ایجاد جامعه ی نو» تعریف کرد.

۱-۲- توسعه

توسعه^۴ فرآیندی است که به همراه رشد مداوم در ابزارها و روابط مادی و معنوی و بنیان های اقتصادی و اجتماعی، انسان ها و جوامع را به سوی بلوغ و کمال می رساند (موسایی، ۱۳۷۴: ۵۷). منطق توسعه، منطق کار، تولید، عقلانیت و سرمایه گذاری مولد است (موثقی، ۱۳۹۰: ۲۶۱). توسعه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هم دارد ولی در این جا توسعه اقتصادی مد نظر است.

بسیاری از نویسندگان، نوسازی و توسعه را مترادف گرفته اند؛ اما نوسازی بیشتر به روند تغییرات اجتماعی و توسعه متوجه هدف و مقصد این روند بوده است. اگر نوسازی در رسیدن به اهداف مورد

۳ . modernization

۴ . Development

نظر ناکام باشد، در این صورت توسعه رخ نداده است. توسعه، نوسازی را در بر دارد؛ اما نوسازی لزوماً به توسعه رهنمون نمی‌شود. نوسازی و توسعه اگر با هم به کار برده شوند یک معنا را تداعی می‌کنند.

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسعه با رشد اقتصادی معادل بود؛ اما از اواخر دهه ۱۹۶۰ توسعه فراتر از معیارهای اقتصادی با عوامل اجتماعی و ارزشی هم همراه شد. رشد اقتصادی به امور کمی مانند درآمد، تولید ملی یا تولید ناخالص ملی در یک دوره اشاره دارد. توسعه اقتصادی مفهومی عام‌تر و مرکب از جنبه‌های کمی و کیفی است.

پس از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظام دوقطبی، در حوزه اقتصادی در شکل‌دهی اقتصاد کشورهای جهان سوم دو مکتب شکل گرفت:

۱- مکتب نوسازی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برای عمومیت دادن به الگوی توسعه غربی در سایر کشورها، دستگاه دیپلماسی آمریکا با تشکیل کمیته سیاست مقایسه‌ای شورای تحقیقاتی علوم اجتماعی به ریاست گابریل آلموند و لوسین پای، سعی کرد ارزش‌های لیبرال را در سایر کشورها گسترش دهد تا روند توسعه غربی را دنبال کنند.

۲- مکتب وابستگی در دهه ۱۹۷۰ با گرایش‌های مارکسیستی با انتقاد از توسعه تک خطی و غفلت از مسیرهای بدیل توسعه و عدم توجه به سلطه خارجی و موارد دیگر شکل گرفت.

مجموعه عواملی باعث شد تا مباحث دیگر در توسعه مانند نقش دولت و نقش مذاهب و نهادهای دینی مورد بررسی قرار گیرد. آمارتیا سن برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸، توسعه را فرآیند بسط و گسترش آزادیهای واقعی مردم می‌داند، از این رو، رفع فقر زمینه‌ای برای آزادی است (سن، ۱۳۸۱: ۸۹ به بعد). این مباحث در کشورهای اسلامی نیز مطرح بوده است.

۱-۳- سلفی‌گری

سلفی‌گری در لغت به معنی گذشته‌گرایی و تقلید از گذشتگان و در اصطلاح، به تفکری اطلاق می‌شود که راه نجات جوامع را، بازگشت به تعالیم ناب نخستین و پیروی از سلف صالح می‌داند. مراد از سلف صالح، شخصیت‌های سه قرن نخستین اسلامی (پیامبر، صحابه، تابعین و تابعین تابعین) می‌باشد و با استناد به حدیث قرون نخستین، سه قرن نخستین اسلامی را بهترین قرون اسلامی دانسته و برای کسانی که در این دوره زندگی کرده‌اند، مرجعیت فکری می‌دهد (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ۳۲). سلفی‌گری طیف وسیعی از گرایشهای سنتی، معتدل و افراطی را در بر می‌گیرد (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

۲- تاریخچه سلفی‌گری

سلفی‌ها، پیرو مکتب اهل حدیثند و در مقابل معتزله و شیعه پدید آمدند. بنیانگذار آن ابو عبدالله محمد بن احمد بن حنبل بغدادی پایه گذار فرقه حنبلی است؛ که به تفسیر تحت اللفظی قرآن و روایات اهمیت می‌داد و مجموعه حدیثی «مسند» از اوست. بعد از درگذشت وی در سال ۲۴۱ هـ.ق، این اندیشه در میان حنبلی‌ها و شاگردان وی ادامه یافت. افکار آنان با اصلاحاتی، بوسیله ابوالحسن اشعری در سال ۳۰۵ با عنوان احیای مکتب اهل حدیث؛ بالاختصاص احمد بن حنبل تجدید شد. او ابتدا گرایش اعتزالی داشت ولی پس از چهل سالگی، از این ایده، عدول کرد و گرایش ضد عقلی یافت. با ظهور ابن تیمیه شامی - متولد ۶۶۱ هـ. ق که به پدر سلفی‌ها مشهور است - دعوت به شیوه سلف صالح مطرح شد. برخی از افکار او که در شکل‌گیری گروه‌های سلفی معاصر مانند طالبان، القاعده، داعش و سایر گروه‌های تکفیری تاثیر گذاشت؛ نفی هرگونه تعقل در فهم ظاهر کلام خدا، مخالفت با اندیشه و تعقل، حرام بودن منطق و فلسفه، حرام بودن توسل و زیارت، انکار فضائل اهل بیت و حتی مخالفت با نظریه‌های مذاهب چهارگانه اهل سنت است، از این رو، این افکار و عقاید، موجب برائت علمای مکه و مدینه از وی شد.

چهارصد سال بعد از ابن تیمیه، در اواسط قرن دوازدهم هجری، محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶ هـ. ق) از نجد، راه او را بیشتر به صورت عملی و با شمشیر ادامه داد. جنبش وهابیت، در زمان سلطه عثمانی‌ها بر عربستان شکل گرفت. در نجد امارات گوناگونی بود که بدلیل وضعیت جغرافیایی و فرهنگی در حال جنگ و ستیز با یکدیگر بودند. جهل و خرافات، فقر، هرج و مرج، قتل و غارت و دوری از علم و صنعت در آنجا هویدا بود (فقیهی، ۱۳۵۲: ۱۴۶). جنبش وهابیت در چنین شرایطی بوسیله محمد بن عبدالوهاب که دارای مذهب حنبلی بود، شکل گرفت.

او مردم را به عمل بر طبق قرآن و حدیث تشویق نموده و مخالفان خود را تکفیر می‌کرد. پس از مخالفت پدر و برادرش با اندیشه‌های او، وبا شعار وحدت جهان اسلام و مخالفت با عثمانی‌ها به پیشرفتهایی دست یافت. بطور کلی در دیدگاه سلفی‌گری اندیشه و عمل اسلامی در طول زمان منحرف شده، و با تکیه بر تاریخ تاسیس و افراد راهنما، افکار آنان بهتر قابل شناسایی است (فقیهی، ۱۳۵۲: ۲۰).

۳- اصول و مبانی سلفی‌گری

سلفی‌گری در شکل قدیم و جدید، دارای یکسری اصول، مبانی و ویژگی‌ها است. این ویژگی‌ها، متعدد و متنوع است ولی از بین آنها، شاخصه‌هایی را که ارتباط با موضوع نوسازی و توسعه دارد ذکر می‌شود،

چون سلفی ها به صورت منسجم و مشخص پیرامون نوسازی و توسعه اقتصادی، مباحث و موضوعاتی را بیان نکرده اند؛ از این رو با توجه به اصول و شاکله فکری آنها، دیدگاهشان را درباره توسعه، استخراج می کنیم.

۳-۱- احیای خلافت

جنبش های سلفی معمولاً در برابر هجوم های بزرگ بیرونی ظهور می یابند. سلفی ها از دولت دینی و به شکل خلافت سنتی در صدر اسلام یعنی خلفاء راشدین سخن می گویند. هدف آنان در تفکر احیاء، بازگشت به گذشته، وحدت جهان اسلام و یک خلافت جهانی است، از این رو، مدل دولت-ملت مدرن را توطئه غربی ها برای اختلاف بین مسلمانان تلقی می کنند و مدل حکومتی جمهوری اسلامی ایران را بدعت و تحریف اسلام قلمداد می کنند. از دیدگاه آنان، جهان به دو قسم مسلمان و غیر مسلمان تقسیم بندی می شود و بین آنان جنگ دائمی (و نه صلح) است اما به هدنه (آتش بس) در موارد لزوم تن می دهند (موثقی، ۱۳۹۰: ۲۷۶). در نتیجه، یکی از اهداف مهم گرایشهای مختلف سلفی، احیای خلافت اسلامی به شیوه خلفاء راشدین است.

۳-۲- مخالفت با اجتهاد، عرفان، نوآوری و دستاوردهای مدرن

از نظر سلفی ها گرایش به فلسفه و عرفان، نوعی انحراف، در دین است و تنها به ظواهر آیات و روایات باید تمسک کرد. آنان از هر گونه تفسیر قرآن و بهره گیری از عقل و فلسفه در تعالیم دین مخالفند. آنان به ظاهر قرآن عمل کرده و با اجتهاد در نصوص دینی مخالفند و آن را بدعت در دین می دانند. وهابیان سلفی در ابتدا با پدیده های جدید مانند تلفن، تلگراف، دوربین عکاسی، و سایر دستاوردهای مدرن مخالفت می کردند و دوچرخه را ارباب شیطان می دانستند (موثقی، ۱۳۷۷: ۱۶۱).

طالبان در افغانستان با تلویزیون، سینما، دوربین عکاسی و سایر دستاوردهای مدرن مخالفت می کرد و آنها را آلات لهو و لعب و ابزار شیطانی می دانست (عارفی، ۱۳۷۸: ۲۰۴). آنان از حیث تئوری با ابزارهای ارتباطی مدرن، مخالفت می کنند، ولی در عمل از اینترنت، وسایل ارتباطی و شبکه های اجتماعی استفاده می کنند. همچنین با انواع رشته های ورزشی جدید مانند فوتبال، والیبال و ... مخالفت کرده و جامعه را صرفاً به ورزشهای عصر پیامبر (شنا، تیراندازی و اسب دوانی) سوق می دهند و روش زندگی جوامع روستایی قرون اولیه اسلامی را مد نظر دارند. امروزه داعش با انتخابات مخالف است و آن را تقلید از غرب می داند.

سلفی ها با نوآوریهای دولت های مدرن غربی در توسعه اقتصادی و سیاسی مخالفند و در ظاهر به نفی مطلق مدنیت غربی می پردازند.

۳-۳- مخالفت با عقل، فلسفه، استدلال

عقل گریزی مهم ترین ویژگی سلفی گری است و تمسک به عقل را بدعت در دین می دانند. براساس این اصل، مراجعه مستقیم به نصوص دینی و سنت، مهم ترین راهکار سلفی ها برای دستیابی به حقیقت دینی است. به نظر آنان، کاربرد عقل در فهم و استنباط احکام الهی، موضوعیت ندارد (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۸). آنان برداشت دیگران از اسلام را نمی پذیرند و مومنانی که متفاوت با آنان می اندیشند، حق گفتگوی آزاد و نقد قدرت و حاکمیت را ندارند. به نظر ربیع هادی، یکی از عالمان سلفی، سؤال کردن، از اساس ممنوع است و جز در موارد ضروری جایز نیست (میجر، ۱۳۹۰، ص ۵۳). این اصل در نوسلفیها نیز وجود دارد.

۳-۴- مخالفت با آزادی، دموکراسی، آبادانی دنیا و توسعه

سلفی ها با مفاهیم مدرن مانند؛ دموکراسی، آزادی، برابری، صلح، تنش زدایی و رفع عقب مانگی جهان اسلام و در یک کلام توسعه سیاسی و اقتصادی مخالفت می کنند و عملاً به شکاف طبقاتی، نابرابریها در مقیاس جهانی و شمال و جنوب و گسترش ناامنی ها، خشونت ها، تروریسم، اقتدارگرایی، ناامنی و ترور دامن می زنند (موثقی ۱۳۹۰: ۲۷۰).

در این دیدگاه، نعمت ها و لذت های دنیوی منفی تلقی شده اند و هیچ گونه مطلوبیتی به آنها داده نشده است، از این رو، نمی توان بین دنیا و آخرت به شکل ممکن جمع کرد، بلکه مطلوب آن است که زندگی دنیوی را کنار گذاشت.

۳-۵- دشمنی و ضدیت با شیعه

شیعه به خاطر گرایش به عقل، استدلال، اجتهاد، عرفان، تفسیر، نوآوری و توجه به علم و صنعت، از نظر فکری در نقطه مقابل تفکر سلفی قرار می گیرد و با تفکرات شیعه بشدت مخالفت می کنند. هم چنین آنان شیعیان را بخاطر اعتقاد به رجعت، توسل، تقیه، ازدواج موقت، و نظایر آن، مشرک و کافر می دانند. از نظر آنان تشیع، اسلام انحرافی، و مذهبی، برای وارونه جلوه دادن اسلام سلف صالح است.

۳-۶- تکفیر مخالفان

سلفیان تنها اسلام خود را، اسلام اصیل و اسلامی واقعی می دانند و جوامع مسلمان را می خواهند به اسلام سلف صالح و اسلام ۱۴۰۰ سال قبل برگردانند و هرگونه نقش زمان و مکان در تفکر و اندیشه را نفی می کنند. هرگونه دخالت عقل در فهم دین را شرک و بدعت می دانند. آنان متأثر از اندیشه های سید قطب، جوامع موجود را- چه مسلمان و چه غیر مسلمان- به اتهام شرک و پذیرش طاغوت، غیر اسلامی و خارج از دین تلقی می کنند (موثقی، ۱۳۹۰: ۲۶۳).

۴- اهداف حکومتها در زمینه رفاه و توسعه اقتصادی در اندیشه مدرن

اندیشمندان سیاسی درباره اهداف حکومت، دیدگاههای مختلفی ذکر کرده اند. ارسطو، تحقق زندگی خوب، جان لاک، خیر عمومی و آدام اسمیت سه هدف جلوگیری از تجاوز خارجی، حمایت از افراد در برابر بی عدالتی و حفظ آثار خاص و نهادهای عمومی را از اهداف حکومت برشمرده اند. از نظر جان بورگس پژوهشگر سیاسی آمریکا هدف اولیه حکومت حفظ صلح، نظم، امنیت و عدالت در جامعه است که می طلبد رژیم حقوقی برای تعیین و حمایت از حقوق فردی و ایجاد قلمرو آزادی فردی بوجود آید. هدف دوم، رفاه عمومی و هدف نهایی، اعتلای تمدن بشری است (عالم ۱۳۷۴: ۲۳۹).

هدف حکومت از دیدگاه اندیشمندان سیاسی متفاوت بیان شده است و شاید به؛ مقدار رشد سیاسی جامعه و درجه تمدن آن ارتباط داشته باشد. از نظر پنوک ۵ هدف اصلی دولت نو عبارت است از تامین امنیت، عدالت، آزادی و رفاه (همان: ۲۴۰) اما با رشد دموکراسی و ارزشهای دولت رفاه، هدف حکومت به این سو گرایش می یابد که آنچه در اهداف حکومت مهم است آن است که آرمانهای مردم را فراهم کند.

ایده بی طرفی ۶ در بین اندیشمندان لیبرال پیرامون اهداف حکومت، دارای این مفهوم است که حکومتها موظفند برای شهروندان خود امنیت، رفاه، عدالت و آزادی فراهم کند اما نسبت به زندگی مطلوب (معنویت، برداشت از خیر، رساندن افراد به کمال و چیزهایی که به زندگی آنها معنا می بخشد) برای شهروندان وظیفه ای ندارند. این امور از طریق دین، اخلاق و ملاحظات زیباشناختی بوجود می آید. اهداف حکومتها صرفاً همان اهداف مادی و دنیایی است. این ایده براساس رویکرد عرفی گرایی بنا شده و با سکولاریسم ارتباط نزدیکی دارد. این اندیشه از سوی اندیشمندانی مانند کانت (کانت، ۱۳۸۳: ۷۶)، جان لاک (لاک، ۱۳۷۷: ۵۶)، دورکین (دورکین، ۱۳۷۴: ۱۰۷)، جان رالز (Rawls, 1996: 190)، والدرون (Waldron, 1993: 143) و دیگران بیان و تاکید شده است.

۵- آبادانی دنیا از دیدگاه قرآن

در این بخش از مقاله با توجه به آیات قرآن کریم و روایات نبوی دیدگاه سلفیه را در باره نوسازی اقتصادی و آبادانی دنیا، مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهیم.

سوال آن است که آیا در متون اسلامی می‌توان به آموزه‌هایی دست یافت که در گفتمان درون جهان بینی توحیدی، به دنیا و آخرت بصورت توأمان اهمیت بدهد و هردو را اصیل بداند؟ هدف آن است که در جامعه توحیدی گرایش دو نیروی «دنیا محور» و «آخرت محور» را به گونه‌ای اصیل به هم پیوند دهیم. در پاسخ می‌گوئیم؛ در جهان‌بینی صحیح دینی، حیات دنیوی، توجه به رفاه و توسعه و حیات اخروی برای انسان اجتماعی همزمان اصالت دارد. بر این اساس، بهره‌گیری از مادیات دنیوی و برنامه ریزی در جهت مدیریت توسعه از طریق عقلانیت جمعی خود به خود، مورد رضایت خداوند است و در هنگام بکارگیری عقلانیت دنیوی مانند زمانیکه مشغول امور معنوی است، بر اساس خواسته الهی عمل کرده و کنش‌های معطوف به اهداف دنیوی و رفاه اقتصادی هم در دایرهٔ بینش توحیدی، امری ذاتاً مطلوب تلقی می‌گردد. در این صورت تفاوت اهداف حکومت اسلامی با اهداف سایر حکومتها حتی در امور دنیوی هم متفاوت خواهد بود و تلاش در امور دنیوی و مادی هم به عنوان یک هدف دینی و معنوی تلقی خواهد شد که می‌تواند تصور افراد جامعه را نسبت به توسعه تغییر دهد که این تغییر نگرش در برنامه ریزیها و اهداف توسعه در عصر غیبت مفید است. امری که در دیدگاه سلفی گری از قرآن، توجه نشده است.

در این صورت، توجه به دنیا و رفاه عمومی از اصالت برخوردار می‌شود و تلاش می‌شود اوضاع سیاسی و اقتصادی جامعه با محاسبات دقیق علمی و تجربه سایر عقلانیتهای بسامان شود. پس انسان می‌تواند زندگی مرفه با بهره‌مندی از نعمتهای حلال داشته باشد و گناهکار نباشد بلکه عصیان ناشی از یکسری گناهان مسلم است (مطهری، ۱۹۴: ۱۳۶۱)

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که این بینش را مورد تأیید قرار می‌دهد و با نگرش سلفی گری پیرامون نوسازی و توسعه اقتصادی متعارض است: **با آنچه‌ی که خدا بتو عطا کرده (اموال و ثروت) در تحصیل آخرت بکوش و بهره‌ات را از دنیا فراموش نکن** (سوره ققص: ۷۷). در این آیه زندگی دنیوی در کنار زندگی اخروی به رسمیت شناخته شده است و همچنین برتری حیات اخروی مورد توجه قرار گرفته است.

۷. «وابتغ فیما أتیک الله الدار الآخرة و لا تنس نصیبک من الدنیا»

در آیه‌ای دیگر چنین می‌خوانیم: مردانی که هیچ کسب و تجارتی، آنان را از یاد خدا و برپایی نماز و ادای زکات به غفلت نمی‌اندازد و آنان از روزی که دلها و دیده‌ها در آن اضطراب دارند، می‌ترسند (سوره نور، ۳۷) یعنی مردان الهی کسانی هستند که زندگی معنوی را در کنار زندگی دنیوی اهمیت می‌دهند. تجارت و کسب در آیه مذکور کنایه از زندگی مادی - دنیوی است.

در قرآن کریم آفرینش همه چیز برای انسان قلمداد شده است و بر اساس خلیفه‌اللهی همه آفریده‌های خداوند در اختیار او نهاده شده است.

«او خدایی است که همه آنچه در زمین است برای شما (انسان) خلق کرده است» (بقره: ۲۹).

صاحب تفسیر مجمع البیان می‌گوید؛ معنای آیه آن است که زمین و آنچه در آن است به عنوان نعمت‌های خداوند متعال برای انسان آفریده شده است که یا نعمت دینی برای راهنمایی و معرفت انسان و یا نعمت دنیوی برای تمتع و بهره‌برداری مادی انسان است (طبرسی، ۱۳۵۵ ه. ق: ۷۱).

آیات دیگری با مضمون «سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ» (سوره لقمان: ۲۰) «سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ» (سوره حج: ۲۰) را درباره مسخر کردن زمین و آسمان برای انسان داریم.

«ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را در خشکی و دریا حرکت دادیم و از روزی‌های پاکیزه بهره‌مند ساختیم و بر بسیاری از آفریدگان خود برتری بخشیدیم.» (سوره اسراء: ۷۰) ۱۰.

در برخی آیات قرآن رام شدن زمین برای انسان آمده است.

«او خدایی است که زمین را برای شما رام قرار داد. پس بر پشت آن حرکت کنید و از روزی آن بخورید و بازگشت به سوی اوست.» (سوره ملک: ۱۵). ۱۱.

۸. «رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و الابصار».

۹. «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»

۱۰. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً»

۱۱. «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولاً فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»

زمخشری در تفسیر کشاف گفته است راه رفتن بر مناکب زمین، مثالی از جهت نهایت رام بودن زمین برای انسان است. مناکب یعنی شانه‌های شتر که به راحتی می‌توان بر آن سوار شد. و سواره بر آن تسلط دارد (زمخشری، بی تا: ۵۸۰).

ذلول به معنای رام جامع‌ترین تعبیری است که درباره زمین ممکن است بیان شود چرا که زمین دارای حرکات متعدد و سریعی است اما چنان به نظر می‌رسد که ساکن است (جمعی از نویسندگان زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۴: ۳۳۷).

اگر چه در این آیه همه امکانات زمین برای انسان در جهت توسعه اقتصادی بیان شده است اما جهت توسعه و نوسازی که الیه النشور است را هم بیان کرده است که توسعه اسلامی بر خلاف مدرنیته جنبه از اوایی و به سوی اوایی دارد. در نوسازی به سبک مدرنیته، خواسته‌ها و تمایلات غریزی انسان محور بهره‌گیری از همه امکانات است و بدین لحاظ فردگرایی اهمیت می‌یابد اما در اسلام اگرچه امیال و خواسته‌های غریزی انسان پاسخ داده می‌شود ولی این غرایز تعدیل شده و در جهت الهی سوق پیدا می‌کنند. فطرت به عنوان جوهره شخصیت انسان، اصول و ارزش‌های الهی را حفظ می‌کند و انسان تنها بنده خداست و نه بنده معبودهای دیگر و لذا آزادی حقیقی به دست می‌آید. در آیات مختلف قرآن به پیشرفت و توسعه سفارش شده است.

«ای پیامبر! بگو چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آورده حرام کرده و از بهره‌گیری روزی حلال و پاکیزه منع کرده و بگو این نعمتها در دنیا برای اهل ایمان است و نیکوتر آنها در آخرت برای آنان خواهد بود ما آیات خود را برای اهل دانش به روشنی بیان می‌کنیم.» (سوره اعراف: ۱۲(۳۱)

از فحوای آیه به دست می‌آید که پیشرفت اقتصادی از طریق علم و دانش به دست می‌آید و مؤمنان باید از طریق قدرت و ثروت به نعمت‌های دنیایی دست یابند و با بهره‌گیری از علم، کار و تکنولوژی به رفاه برسند. لذا قرآن با رهبانیت، ترک دنیا و ترک لذائذ آن مخالفت کرده است. بر این اساس مسلمانان موظفند از کشاورزی، صنعت و تجارت حلال پشتیبانی کنند.

۱۲. «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ تَفْصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»

«بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد.» (سوره اعراف، آیه ۳۱) ۱۳.

در این آیه شریفه خداوند مسلمانان را به خوردن و آشامیدن در حد نیاز و پرهیز از زیاده‌روی توصیه می‌کند. مسلمانان اگر اهل تلاش و فعالیت هم باشند نباید اسراف کنند.

«اوست که شما را از زمین آفرید و به آبادانی آن واداشت.» (سوره ی هود: ۶۱) ۱۴

به کار بردن باب استفعال در واژه عمران نشان دهنده خواست خداوند از انسان برای آبادانی زمین است یعنی خداوند از انسان می‌خواهد که زمین را آباد کند.

«اگر مردم شهرها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را برایشان نازل می‌کردیم.» (سوره ی اعراف: ۹۷) ۱۵

در این آیه ارتباط بین ایمان و تقوا و توسعه اقتصادی هم بیان شده است. یعنی تنها عامل توسعه، کار و تلاش در پیشرفت موثر نیست بلکه عوامل معنوی هم در مطابق آیه تأثیر دارد.

«هیچ چیزی نیست مگر آن که خزائن آن نزد ماست و ما آن را نازل نمی‌کنیم مگر به اندازه معلوم.» (سوره ی حجر، آیه ۲۱) ۱۶

منظور آیه آن است که هر چیزی را که انسان نیاز دارد خداوند به صورت بالقوه در زمین قرار داده است که انسان می‌تواند بر اساس کار و فعالیت در راستای آبادانی زمین از آن بهره‌گیرد.

در احادیث نبوی، روایاتی است که اصیل بودن فعالیت‌های دنیوی در کنار اعمال اخروی را مورد تأیید قرار می‌دهد. رسول خدا (ص) (ع) فرموده است: «عمل لدنیاک کأنک تعیش أبداً و عمل لآخرتک کأنک تموت غدا. برای دنیایت چنان کار کن که گویا همیشه زنده‌ای و برای آخرت چنان تلاش نما مثل این که فردا مرگ فرا می‌رسد» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۴۹)..
روایتی از پیامبر مشروط شدن و ارتباط آنها با هم دیگر را

۱۳. «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»

۱۴. «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»

۱۵. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»

۱۶. «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ»

توضیح می‌دهد: نعم العون علی تقوالله، الغنی. بهترین کمک رساننده بر پرهیزکاری معنوی، ثروتمندی است (حر عاملی، پیشین، ج ۱۲: ۴۹).

علی (ع) درباره جاهلیت اظهار می‌دارند که علاوه بر تاریکی دینی، درخت زندگی نیز به زردی گراییده و از ثمره زندگی خبری نیست. آب حیات انسانی به زمین فرو رفته، دنیا با قیافه‌ای زشت و کریه به اهلش می‌نگرد و با چهره عبوس با طالبانش روبرو می‌شود. به جای آبادی و امنیت در دنیا، فتنه، وحشت و اضطراب از درون و شمشیر در برون شعله می‌کشد (محمد جعفر امامی و محمدرضا آشتیانی، پیشین، ج ۱: ۲۱۳).

علی (ع) در سیره عملی هم با دست خود زراعت کرد، درخت کاشت، تخم پاشید، بیل زد و در عین حال بیشترین عبادتها را هم داشت. پس زندگی مادی و معنوی اگرچه یکی زیربنا و دیگری روبناست اما هر دو زندگی مستقل و اصیل هستند و تنظیم زندگی مادی مقدم بر زندگی معنوی است. برخی مانند ماکس وبر معتقدند روحیه سرمایه‌داری در مناطق پروتستان‌نشین شکل گرفته و باعث توسعه اقتصادی شده است که از مناطق دیگر جهان از حیث صنعت و تکنولوژی در وضعیت بهتری قرار دارند. ولی در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری (وبر، ۱۳۷۱: صفحات مختلف) معتقد است علاوه بر عوامل دیگر توسعه در غرب، دین پروتستان در نوسازی و توسعه این کشورها نقش مهمی داشته است و دیدگاه آن مذهب درباره ارزش کار و فعالیت دنیوی و همین طور تقدیر و سرنوشت باعث ارزش داشتن کار و فعالیت دنیوی شد تا انسان جزء رستگاران به حساب آید. با بررسی آیات و روایات مختلف بدست می‌آید این پتانسیل در متون دینی وجود دارد.

این مباحث را با توجه به طولانی بودن آن، از آن رو آوردیم که، بهره‌گیری از مادیات دنیوی و برنامه ریزی در جهت مدیریت کلان جامعه از طریق عقلانیت جمعی خود به خود، مورد رضایت خداوند است و در هنگام بکارگیری عقلانیت دنیوی مانند زمانیکه مشغول امور معنوی است، بر اساس خواسته الهی عمل کرده و کنش‌های معطوف به اهداف دنیوی هم در دایره بینش توحیدی امری ذاتاً مطلوب تلقی می‌گردد. اگرچه اهداف معنوی ذاتاً ارجحیت داشته و برتر است و این برداشت مستقیم از قرآن آشکارا با نگاه سلفی گری درباره نوسازی و توسعه اقتصادی متفاوت است.

از این جهت، آیات قرآن با اهمیت دادن به مالکیت، عقل، دنیا، کار و تولید، علم و تخصص، قانون، آزادیهای فردی، نظم و سامان اجتماعی، بهره‌گیری از طبیعت، سرمایه‌گذاری، رقابت و سایر مقوله‌های

مقوم نوسازی و توسعه اقتصادی مخالفتی ندارد و بلکه به آبادانی دنیا گفتگو، صلح، تحمل، مدارا، همبستگی ملی، منافع ملی و عقلانیت که لازمه توسعه اقتصادی است، تشویق می کند.

خلاصه و نتیجه

هدف این نوشتار، نقد و ارزیابی دیدگاه سلفی گری درباره نوسازی و توسعه اقتصادی بود. بدین منظور ابتدا به تعریف مفاهیم مرتبط پرداختیم، سپس نظریه ها و تئوری پردازیها در این زمینه را براساس رهیافت نوسازی و وابستگی مورد توجه قرار داده شد. سوال اصلی آن بود که نگرش سلفی گری در برابر الگوی انقلاب اسلامی و الگوی دولت های مدرن غربی و بر اساس آموزه های اسلامی چگونه قابل نقد و ارزیابی است؟ در پاسخ تبیین شد که؛ اگرچه مباحث مدرن مانند نوسازی و توسعه اقتصادی به صورت صریح در افکار آنان نیامده است ولی باتوجه به مبانی اعتقادی و اصول فکری آنان می توان دیدگاه آنان را در این زمینه برداشت کرد. تفکر سلفی در شکل قدیم و نوسلفی، اصالت دادن به آبادانی دنیا و توسعه اقتصادی را بر نمی تابد و آبادانی دنیا با برداشت توحیدی آنان سازگاری ندارد. آنان با مبانی توسعه مانند عقل، دنیا، طبیعت، آزادی، قانون، تولید، مدارا و نظایر آن مخالفت می کردند. نقد این تفکر با توجه به آیات قرآن و روایات پیامبر(ص) از مباحث بعدی این مقاله بود. در این بخش نکاتی را به عنوان دستاوردهای تحقیق بیان می شود:

۱- تفکر سلفی ادامه تفکر خوارج، احمدبن حنبل، اشاعره، اهل حدیث و اخباریون اندیشه ای ضد فلسفه، عقل، علم و توسعه است. امروزه اندیشه های سلفی مانند؛ وهابیت، القاعده، طالبان، انجمن سپاه صحابه، داعش و نظایر آنها برخلاف عقل، علم، تولید و اشتغال، دنیا و طبیعت، تولید و اشتغال و سایر مفاهیم مرتبط با نوسازی و توسعه است. این اندیشه با آیات قرآن و سنت نبوی منافات دارد.

۲- نوسازی و توسعه اقتصادی مستلزم اتخاذ یک مبنا، چارچوب نظری و قالب فکری است که علی رغم مبانی و اصول مترقی در اسلام، سلفیگری از درک و بهره گیری از آن، عاجز است و نمی تواند بنیان های نظری و فکری آن را بپذیرد، اما با توجه به مباحث قرآنی مطروحه، می توان نوسازی و توسعه متناسب با شرایط روز، زمان و مکان ارائه کرد، که بتواند تمدن ساز باشد.

۳- یکی از مهمترین موانع توسعه در افکار سلفی ها عدم اعتقاد به عقل انسان، اختیار و آزادی او در طراحی جامعه مدرن، در مسیر نوسازی و توسعه است. بدون اعتقاد به توانایی عقل، نمی توان در جهت تغییر شرایط، ابتکار، نوآوری و نوسازی قدمی برداشت.

۴- بر اساس آموزه های اسلام در قرآن و سنت نبوی، حیات دنیوی، توجه به رفاه و توسعه و حیات اخروی برای انسان اجتماعی همزمان اصالت دارد. بر این اساس، بهره گیری از مادیات دنیوی و برنامه ریزی در جهت مدیریت توسعه از طریق عقلانیت جمعی خود به خود، مورد رضایت خداوند است و در هنگام بکارگیری عقلانیت دنیوی مانند زمانیکه مشغول امور معنوی است، بر اساس خواسته الهی عمل کرده و کنش های معطوف به اهداف دنیوی و رفاه اقتصادی هم در دایره بینش توحیدی، امری ذاتاً مطلوب تلقی می گردد. از این رو، تفاوت اهداف حکومت اسلامی با اهداف سایر حکومتها حتی در امور دنیوی هم متفاوت خواهد بود و تلاش در امور دنیوی و مادی هم به عنوان یک هدف دینی و معنوی تلقی خواهد شد که می تواند تصور افراد جامعه را نسبت به توسعه تغییر دهد که این تغییر نگرش در برنامه ریزیها و اهداف توسعه در عصر غیبت مفید است. امری که در دیدگاه سلفی گری از قرآن، توجه نشده است.

۵- یکی از دستاوردهای این پژوهش، تمایز نوسازی و توسعه اقتصادی در اسلام - که انقلاب اسلامی به سوی تحقق آن است - و نوسازی در تجدد غربی است. توسعه اسلامی بر خلاف مدرنیته، جنبه از اوایی و به سوی اوایی دارد، از این رو هدف آن، تقرب به خدا و معنویت است. در نوسازی به سبک مدرنیته، خواسته ها و تمایلات غریزی و رضایت انسان محور بهره گیری از همه امکانات است و بدین لحاظ، فردگرایی اهمیت می یابد؛ اما در اسلام اگرچه امیال و خواسته های غریزی انسان پاسخ داده می شود ولی این غرایز تعدیل شده و در جهت الهی سوق پیدا می کنند. بدین جهت نوسازی که جمهوری اسلامی به دنبال تحقق آن است؛ نه مانند سلفی گری است که از بهره مندی عقل، علم و تجربه بشری دور باشد؛ و نه مانند توسعه مدرن و متجدد است که صرفاً اهداف دنیایی و رفاه انسانی را در چارچوب رضایت انسان دنبال می کند.

۶- یکی از روشهای کشورهای قدرتمند، استفاده ابزاری از تفکر سلفی گری، در پوشش القاعده، طالبان، سپاه صحابه، داعش و نظایر آنان، برای بدنام کردن اسلام و جمهوری اسلامی است؛ تا عموم مذاهب اسلامی را به عنوان مخالفان عقلانیت، علم، توسعه و تکنولوژی معرفی کنند؛ از این رو، در این پژوهش پالایش اسلام واقعی، جهان اسلام و انقلاب اسلامی ایران و بیان تعارض آن با اصول، مبانی و ویژگیهای سلفی گری و اقدامات تخریبی آنان مورد توجه بود.

منابع:

- قرآن کریم
- امامی، محمد جعفر و آشتیانی، محمدرضا، ترجمه گویا و شرح فشرده ای به نهج البلاغه، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، قم: هدف، ۱۳۷۲.
- جمعی از نویسندگان زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۸۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم: آل البيت، ۱۴۱۴ه.ق.
- دورکین، رونالد، لیبرالیسم، مایکل ساندل، لیبرالیسم و منتقدان آن، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگ، ۱۳۷۴.
- سن، آمارتیا، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه سید احمد موثقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- سیدنژاد، سیدباقر، رویکردشناسی فلسفی و معرفتی جریان سلفی گری، معرفت دینی، ش ۱۱، پاییز و زمستان (۱۳۹۰)
- سید نژاد، سید باقر، «موج جدید سلفی گری و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۴۷، بهار ۱۳۸۹.
- صفی، لو آی. م، چالش مدرنیته، ترجمه سید احمد موثقی، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۰.
- عارفی، محمد اکرم، مبانی قومی و مذهبی طالبان، قم: فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ۱۳۷۸، شماره ۴.
- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
- فقیهی، علی اصغر، وهابیان، تهران: انتشارات صبا، تهران، ۱۳۵۲.
- موثقی، سید احمد، صلح، امنیت و توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- موثقی، سید احمد، جنبش های اسلامی معاصر، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۷.
- موسایی، میثم، دین و فرهنگ توسعه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- میجر، روثل، به سوی اسلام سیاسی، ترجمه مرضیه السادات مطهری در غلامرضا خواجه سروی، بیداری اسلامی در گستره سیاست جهانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.

- ویر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت، ۱۳۷۱.

- Waldron, Jeremy, legislation and moral neutrality, in liberal rights: collected, new York, Cambridge university press, 1993

- Rawls, John, Political Liberalism, New York: Columbia University Press, 1996